

نوبت‌شان شده؟

هومن جعفری

روزنامه‌نگار

قبل از شروع فصل، یکی در گوشم گفت که امسال و سال بعد سپاهان قهرمان می‌شود! نظر و نگاهش این بود که نوبت سپاهان است. منظورم مسائل پشت پرده بود و طبیعتاً خیلی جذابیتهای آن در این بحث حس نکردم. ادامه‌اش را نگرفتم و بحث مرد و از یاد رفت. وقتی سپاهان مورایس را آورد، گفتم امسال از بقیه تیم‌ها جلوم‌زنند. همین هم شد.

سپاهان امسال برای بازیس گرفتن تاج و تخت از کف رفته، خوب پیش رفت. آنها هم کادرفنی درجه یکی جذب کردند و هم خوب به خرید بازیکن و تقویت اسکواد تیم پرداختند. بی‌توجه به حواشی بازار یار جذب کردند و به آرامی خودشان را برای فتح لیگ آماده کردند. هرچند در نیم فصل اول، امتیازات مهمی از کف رفت اما سپاهان بعد از گذراندن نیمی از لیگ، توانست دوباره خودش را به صدر برساند.

نیم‌فصل اول آزمون و خطای مهمی برای مورایس و کادرش بود که به شناخت مناسب از لیگ برسند. حالا وقت پرواز است، سپاهان رفت و برگشت بارش را با استقلال بست و پرسپولیس را هم درگیر حواشی می‌بیند. آنها امیدوارند همین روند را پیش ببرند و یک دوگانه خوب را کسب کنند اگر چه در هر دو مسیر کارشان دشواری‌هایی دارد که طبیعی است.

برای قهرمانی در لیگ امسال هیچ تیمی از سپاهان آماده‌تر به نظر نمی‌رسد. پرسپولیس به افت رسیده و استقلال کوهی آوار بالای سر این تیم، منتظر فرو ریختن است. سپاهان شانس‌اش بیشتر است اگر بتواند همین چند امتیاز اختلاف را حفظ کند و گازش را بگیرد و برود. آنها هم مدیر با تجربه، هم مربی خوب، هم تیم انسانی درجه یک و هم امکانات فراوان دارند. ببینیم قدر این فرصت را می‌دانند یا نه!

حالا حالاها نمی‌بازند

ایمان گودرزی

روزنامه‌نگار

خوشحال نگه دارم. شاگردان مورایس موفق شدند در عرض ۴ دقیقه نتیجه بازی را کاملاً به سمت خود برگردانند و با به اصطلاح کامبک زدن تارتار را خیلی زود کیش و مات کنند. مرد پرتغالی حدود ۴۰ روز است که تیمش را از دیدن رنگ باخت محروم کرده و آخرین باخت آنها در بازی ۱۰ دی مقابل پیکان مجتبی حسینی رقم خورد. بعد از آن زردپوشان موفق شدند در ۷ بازی

در تمام رقابت‌ها پیروز از زمین خارج شوند و حتی تن به تقسیم امتیاز با حریفان خود ندهند. یکی از عوامل موفقیت این تیم بدون شک حس آرامش و ثباتی است که در این تیم وجود دارد. وقتی مورایس خوشنود روی تیمکت شما باشد، قاعدتاً آرامش به درون زمین و بازیکنان نیز می‌رسد و تیم با آمادگی روحی و روانی بهتری بازی می‌کند و همین باعث می‌شود که در

بازی حساس دربی، تیم بتواند با قدرت در نیمه دوم به بازی برگردد. کمتر کسی در حال مورایس و شاگردانش، عملیات بعد بازی یا کنار زمین دیده و حواشی و جنجال‌های سرخابی‌ها باعث شده که خیلی آرام و پیوسته سپاهان راهش را برای قهرمانی طی کند. شاید حتی خوشبین‌ترین هوادار سپاهان هم فکرش را نمی‌کرد که فاصله ۵ امتیازی از صدر با وجود چنین قرعه دشواری

در هفته‌های ابتدایی نیم فصل دوم، به این راحتی جبران شود. با این حال مورایس و شاگردانش، عملیات بازپس‌گیری صدر را بی‌نقص اجرا کردند و حالا بکه و تنها بدون مزاحم در صدر نشسته‌اند. اتفاقی که آنها را به قهرمانی امیدوار کرده. ۶ برد از ۶ دیدار سخت، دیگر حرفی را باقی نمی‌گذارد و احتمالاً حتی منتقدان ژوزه مورایس هم این هفته‌ها در خصوص کیفیت

بالای سپاهان شکی نداشته و با هم، هم عقیده هستند. آنها در شرایطی گوی سبقت را از پرسپولیس ربودند که با استقلال و گل‌گهر صدرنشین و فولاد جخر و بدبدن در اهواز و اتوبوس مهدی تارتار در دربی اصفهان بازی کردند. با وجود این پسران طلایی پوش ژوزه تمام ۱۸ امتیاز ممکن را کسب کردند تا به صدر بازگردند؛ جایی که هفته‌ها برای بازگشت به آن صبر کرده بودند.

وقتی خبری از آلترناتیو نیست

محرم سپر بلای مورایس!



سعید زاهدیان

روزنامه‌نگار

بزرگ و متمول لیگ برتر مثل سپاهان بود. سپاهان روی سکوها هوادارانی متعصب دارد که در تمام این سال‌ها نقطه قوت باشگاه بودند اما در سال‌های اخیر، فشار و انتقاد آنها باعث شد تا مدیران مختلف زیر فشار سنگین هواداران کمر خم کنند و تحت تأثیر اتسفری که پیرامون باشگاه وجود داشت، تصمیمات عجولانه و هوادارپسند بگیرند. اما اغلب اقدامات آنها به نتیجه مطلوب ختم نشد تا سرانجام «کارخانه فولاد مبارکه» موفق‌ترین مدیر فوتبال اصفهان را پشت میز مدیریت بنشانند. با حضور محمدرضا ساکت، انتظار هواداران از باشگاه به اوج رسید؛ محمدرضا ساکت که جامعه شناسی کاملی از اصفهان و تجربه کافی در مدیریت باشگاه داشت، ساختن تیمی که به رقابت پرسپولیس و استقلال برود را در انقطاع ممکن نمی‌دانست. ساکت در نخستین اقدام، محرم نویدکیا را به عنوان سرمربی روی نیمکت نشاند. ابتدا تصور شد که

محمدرضا ساکت تنها برای راضی کردن هواداران سراغ نویدکیا رفت؛ اما اصل ماجرا همین نبود. نویدکیا در دو فصلی که هدایت سپاهان را بر عهده گرفت، فوایدی زیبا، جذاب و تماشایرپسند با چاشنی رفتاری محترمانه و مبادی آداب در خصوص رقبا و داوران ارائه کرد. او به دلیل محبوبیت بالا، سپری مقابل فشار هواداران بر مدیریت باشگاه شد. نویدکیا بعد از نزدیک به دو سال کار متوجه اصل ماجرا شد. او دریافت که با رقبای سرسختی مثل پرسپولیس و استقلال، قهرمانی لیگ به سادگی ممکن نیست. نویدکیا مطابق میل مدیران سپاهان، احساس واقعی خود را در رسانه‌ها علنی کرد و گفت که به این باور رسیده که نمی‌تواند سپاهان را به سمت موفقیت هدایت کند. مدیران با تجربه باشگاه، ابتدا با استغفای او مخالفت می‌کردند. در شرایطی که هواداران هم پذیرفتند محرم ناتوان از رساندن سپاهان به قهرمانی

است، سرانجام باشگاه با استغفای این مربی جوان موافقت کرد. سپاهان در فصل جاری یک مربی شناخته شده با سابقه قهرمانی آسیا روی نیمکت نشاند و پروژه بزرگ خود را استارت زد. با انتخاب مورایس، به هواداران القا شد که سپاهان برای قهرمانی آسیا برنامه‌ریزی کرده است. سپاهان با تمام چالش‌هایی که از ابتدای فصل داشت، آرام، آرام خود را بالا کشید و با مجموعه‌ای از ستاره‌ها سرانجام صدر جدول را از پرسپولیس گرفت اما در نیم فصل نخست که صدرنشین نبود، کوچکترین انتقادی متوجه این باشگاه نشد. حالا سپاهانی که در آرامش کامل زندگی می‌کند، جدی‌ترین گزینه برای قهرمانی است. در این شرایط، حتی اگر مورایس قهرمان هم نشود، مدیریت باشگاه با فشار و انتقاد شدیدی مواجه نمی‌شود چرا که نام مهم‌ترین آلترناتیو نیمکت سپاهان برای مدت‌ها از زبان هیچ هواداری روی سکو شنیده

نخواهد شد. سیاست باشگاه سپاهان در استفاده از نویدکیا در مقطعی که او تجربه کافی برای هدایت باشگاه را نداشت، باعث شد تا هواداران «حالا حالا» به اسطوره خود فکر نکنند و مربی خارجی با خطری آسوده در اصفهان کارش را پیش ببرد. این روزها همه چیز برای مورایس مهیاست؛ پرسپولیس به پایان دوران باشکوه خود رسیده و راهی جز تغییر نسل و طی کردن دوران گذار ندارد. استقلال هم بواسطه تغییر مدیریت و حضور یک مربی جدید و پرماجرا در فصل بیست و دوم، تهدید بزرگی برای سپاهان محسوب نمی‌شود. در این شرایط، اگر سپاهان جام قهرمانی را هم بالای سر نبرد، هیچ انتقادی به تیمک و میز مدیریت باشگاه برخورد نخواهد کرد. این وسط تنها یک اتفاق بد رقم خورد؛ محرم نویدکیا جوان که می‌توانست به یکی از مربیان خوب ایران تبدیل شود، در آتش تصمیمات مدیریتی سوخت!

مورایس مرد بی‌ادا

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار

بهترین مربی این فصل لیگ مورایس است از سپاهان. کم‌ادا، بدون حاشیه و نتیجه گرفته. دعوای اسپینتورا راه نمی‌اندازد. عین نکونام بها نه گیر نیست. عین قلعه‌نویی در برخی بازی‌های بزرگ بدطور و نمی‌دهد. عین یحیی گل محمدی، دنبال خراب کردن همه چیز سر داوری نیست. کارش را دارد انجام می‌دهد و به آرامی نشان خودش را روی لیگ می‌کوبد.

مورایس سابقه درخشانی در شرق و غرب آسیا دارد و این‌طور هم نیست که محبور بوده باشد به ایران باید تا دوباره دیده شود. او همین حالا هم دهها پیشنهاد در جیبش دارد و اگر بخواهد می‌تواند فصل بعد در بسیاری از کشورها مربیگری کند. او آدمی است که حتی می‌توان بدون دغدغه و نگرانی برای هدایت تیم ملی رویش حساب کرد. هر تجربه خوبی دارد، هم ارتباطات بین‌المللی‌اش عالی است و هم اینکه سن و سالش مناسب است. مورایس از آن مربیانی است که عیار فوتبال ایران را بالاتر می‌برد. کاش از این دست مربی‌ها بیشتر بیاوریم. مربیانی که می‌توانند به فوتبال باشگاهی ایران کلاسی متفاوت‌تر ببخشند.

به ترکیب برنده دست نزن

سینا فتوت

روزنامه‌نگار

پرسش کلیدی بلافاصله پس از حضور سپاهان در صدر جدول مطرح می‌شود: مورایس چه کرد که کیفیت شاگردانش کمی پس از تعطیلات جام جهانی، این‌گونه افزایش یافت؟ برای پیدا کردن پاسخ، بد نیست خط به خط ترکیب سپاهان و تغییراتش در طول لیگ بیست و دوم تا اینجا را زیر ذره‌بین قرار دهیم.

کیفیت سپاهان درست جایی افزایش پیدا کرد که سرمربی پرتغالی پس از آزمون و خطاها در خطوط مختلف تیمش، تقریباً اسکواد اصلی را به دست آورد. ترکیب طلایی پوشان تقریباً از بازی با پیکان در هفته چهاردهم، در ۶ هفته بعدی تغییر چندانی پیدا نکرده و با این حال، شکست مقابل پیکان به ۱۸ امتیاز شیرین در گام‌های بعدی تبدیل شده است.

زوج دفاعی مورایس برای بیشتر بازی‌های نیم فصل اول، از ناتو و دانشگر تشکیل شده بود. البته در برخی دیدارها نیلسون جونیور جانشین دانشگر می‌شد اما ناتو تقریباً عضو اصلی هسته دفاعی سپاهان در ۱۵ هفته ابتدایی لیگ بود. با وجود این جابه‌جایی‌های پرترکر در مدافعان

میانی هم کارساز نشد و دفاع کند و آسیب‌پذیر، پاشنه آشیل طلایی پوشان در نیم فصل نخست به شمار می‌رفت. مورایس اما به یک بهره‌تصمیم گرفت تا زوج دفاعی خود را کامل عوض کند و این بار نیلسون جونیور را در کنار دانشگر قرار داد که در چند مسابقه، حتی در لیست ۱۸ نفره سپاهان هم قرار گرفته بود؛ تغییر ژوزه کاملاً جواب داد و کیفیت نیلسون، هم وطنش یعنی ناتو داسیلویرا را ابتدا به نیمکت چسباند و کمی بعدتر، زمینه‌ساز جدایی او شد.

تغییر مثبت و بعدی مورایس را باید آوردن امید نورافکن به یک خط جلوتر و استفاده از او به عنوان وینگر چپ دانست. ستاره ملی‌پوش سپاهانی‌ها در ابتدای لیگ بیست و دوم حتی در ترکیب ابتدایی مورایس هم جایی نداشت و معمولاً با زکی‌پور در دفاع چپ تعویض می‌شد. امید آرام آرام جانشین میلاد زکی‌پور در اسکواد اصلی شد اما چند هفته بعد، به طور کلی دفاع را رها کرد و به کمربند میانی طلایی پوشان پیوست. این تغییر نه تنها قدرت حرکات تهاجمی سپاهان را از سمت چپ با نفوذهای نورافکن افزایش داد بلکه با بازگشت زکی‌پور به دفاع چپ، خیال مورایس را از نفوذهای رقبا از این ناحیه زمین، راحت‌تر کرد. نورافکن حتی در پاره‌ای اوقات به عنوان

هافبک وسط نیز بازی کرد که البته در این پست هم نمایش مطلوبی داشت تا تغییر پست وی توسط مورایس کاملاً مثبت باشد. از طرفی مورایس پس از تغییر سیستم چند باره از ۲-۴-۴ به ۳-۳-۴ یا ۳-۳-۴ خود را پیدا کرد و دقیقاً از دیدار با پیکان، تیمش را با ۳ مهاجم روانه میدان کرد. او میانه زمین را به ریگی سپرد و در کنار این ستاره سابق استقلال‌ها، کریمی و نورافکن را جایگزین قربانی و یاسین سلمانی جوان کرد. او همچنین در فاز تهاجمی دو گوش کناری مغانلو را شناخته و با فرشاد احمدزاده در راست و علی‌نژاد در چپ، به آمار بی‌نظیر ۱۲ گل زده در ۶ هفته اخیر دست یافته. البته بازگشت فرناندز از کمند مصدومیت طولانی و کاتاتائو که او را سپاهان در نیم فصل به خدمت گرفت، می‌تواند گزینه‌های ژوزه برای انتخاب سرپازانش در خط آتش را افزایش دهد. سپاهان با این اسکواد بی‌نظیر و کامل از حالا اسپش را برای قهرمانی زمین کرده. آنها به نظر نقی‌ندارند و حالا روی دور برد افتاده‌اند. مسیری که گام به گام به جام نزدیک‌تر می‌شود.

با اتوبوس به مقصد نمی‌رسید

نهایت آنها را به نیمه پایینی جدول فرستاد؛ در یک قدمی منطقه قرمز سقوط.

به نظر می‌رسد این سبک بازی ملال‌آور از ذوب‌آهن مهدی تارتار صدای مدیران ارشد این باشگاه را هم درآورد. مدیرعامل این تیم رسماً اعلام کرده امکان برکناری مهدی تارتار وجود دارد، اتفاقی که رخ دادنش دونکته را اثبات می‌کند؛ اول اینکه مدیران این تیم هم که تا چند هفته پیش از تارتار دفاع می‌کرده‌اند، حالا تبدیل به منتقد درجه اول او شده‌اند. دوم اینکه حضور گاندوها در این جای جدول بار دیگر ثابت کرده که استفاده از سیستم تدافعی در فوتبال مانند اتوبوسی است که در راه می‌رود اما هیچ‌گاه به مقصد مورد نظر راننده و مسافرانش نخواهد رسید و آنها برای رسیدن به مقصد مجبور به عوض کردن روند حرکت اتوبوس می‌شوند.

مهدی تارتار اگر می‌خواهد در فوتبال ایران دوام داشته باشد باید سیستم و تفکرش را تغییر دهد اگر نه جایی در تیم‌های بزرگ نخواهد داشت.

امیررضا همایون

هنرمند

ذوب‌آهن در این فصل شرایط عجیبی را با مهدی تارتار سپری می‌کند. تارتار در بیست و دومین دوره لیگ برتر به دفاع محض روی آورد، تاکتیکی که البته مورد استفاده بسیاری از تیم‌های حاضر در ایران است اما ذوب‌آهن در استفاده از این تاکتیک یک تفاوت اساسی با سایر تیم‌ها دارد.

بازیکنان این فصل ذوب‌آهن کاملاً در قالب این تاکتیک فرو رفته‌اند که البته هیچ نتیجه‌ای برای آنها در پی نداشته. قانون نانوشته‌ای در فوتبال هست که می‌گوید تیم‌های تدافعی جایی در جمع بزرگان نخواهند داشت، درست مانند ذوب‌آهن در فصل بیست و دوم. گاندوها اگرچه فصل را با عملکردی فوق‌العاده آغاز کردند اما هرچه از زمان برگزاری مسابقات گذشت، مشکلات این سبک برای مهدی تارتار و شاگردانش نمایان شد و در